



## اثر بخشی، حلقه مفقوده پژوهش ها

کار بست نتایج و یافته های تحقیقاتی یکی از مشکلات مهم تحقیق و پژوهش در جامعه ما است. عدم به کار گیری نتایج تحقیقات در تصمیم گیری مدیران موجب عقیم ماندن نتایج آن می شود. اکثر مدیران به انجام کار پژوهشی تمایل دارند و سفارش کار تحقیقاتی می دهند، اما بر خلاف شعار هفته پژوهش (بدون تحقیق و پژوهش تصمیم نگیریم) در برنامه ریزی های خود از آن استفاده نمی کنند. یکی از مشکلات عمده در بخش تحقیقات این است که ساختار سازمانی برای انجام فعالیت های پژوهشی نارسا، ضعیف و اغلب نا کارآمد است. موانع اداری و مالی از مهمترین موانع سازمانی در این زمینه به شمار می رود. انجام پژوهش های موزی، در برخی موارد انجام پژوهش توسط محققان غیر حرفه ای، فقدان انگیزه لازم و کافی در میان محققان با صلاحیت برای انجام پژوهش و بسیاری دیگر در سطح کلان از جمله موانع و مشکلات پژوهش می باشند. انجام پژوهش می تواند علاوه بر صرفه جویی در هزینه ها، امور را در مجرای اصلی خود قرار داده و از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری کند که این امر مستلزم تغییر دیدگاه مدیران به پژوهش به عنوان امری کاربردی است نه لوکس و تزئیناتی! باید به مدیران یادآور شد که از روزمره گی و رفع نیازهای آنی به سمت برنامه ریزی و حل مشکلات به صورت عالمانه و با تکیه بر پژوهش تغییر مسیر دهند.

برخی از مهمترین مشکلات فراروی پژوهش و توسعه علمی کشور عبارتند از:

- \* مدیریت پژوهش
- \* ساز و کارهای پژوهش
- \* نبود بازار پژوهش
- \* بی توجهی گذشته به اثر بخشی پژوهش به عنوان شاخص مهم توزیع اعتبارات.
- \* عدم تمایل ذی نفعان اعتبارات پژوهشی به ارزیابی اثر بخشی پژوهشی در سطوح مختلف و نبود معیاری به نام اثر بخشی به عنوان یکی از ارکان مهم توزیع اعتبارات پژوهشی در سطح ملی
- \* انباشت سخت افزار و تجهیزات بی حاصل و تحمیل آن به بودجه های پژوهشی.

### راهکارها و راه حل ها

- ۱- استقرار معیار اثر بخشی به عنوان میزان و ملاک و ضریب برای اختصاص اعتبارات پژوهشی و همچنین معیاری برای ارزیابی عملکرد.
- \* نبود نظارت واقعی بر عملکرد اعتبارات پژوهشی، قناعت نمودن به دریافت گزارش های صوری، عملکرد ریالی و پرسنلی و مانند آن.
- \* حاکمیت روش های علمی مبتنی بر اثر بخشی به جای نظام های اداری در توزیع منابع پژوهشی.
- \* حذف ذی نفعان از نظام تصمیم گیری توزیع و تخصیص اعتبارات و سپردن آن به دانشمندان و صاحب نظران
- \* اصلاح نظام های موجود توزیع اعتبارات پژوهشی و شوراهای مجامعی که به این منظور تشکیل می شود.
- \* نهادینه شدن نظام تصمیم گیری جمعی صاحب نظران پژوهشی به جای نظامات اداری، در توزیع منابع پژوهشی.
- \* در نظر داشتن ضریب اثر بخشی به عنوان معیاری مهم در تصمیمات آتی و نظامات پژوهشی کشور.
- \* انتصاب مدیران ستادی که دارای بینش و منش برنامه ای و مقید به پیگیری برنامه های ملی باشند، نه اعمال سلیقه های شخصی و دستگاهی.
- ۲- حذف مناسبات غیر علمی و غیر کارشناسی در توزیع و تخصیص هر گونه اعتبار پژوهشی به دستگاهها
- \* حذف اعتبارهای مستمر و تاریخی و بدون اثر بخشی و به طور کلی حذف هر گونه بودجه پژوهشی تاریخچه ای.
- \* جلوگیری از تأثیر مناصب و جایگاه های مدیریتی و فشارهای سیاسی در تخصیص اعتبارات پژوهشی.
- \* جلوگیری از راهکارهایی که اختیارات مدیران مسئول توزیع اعتبارات پژوهشی را در اعمال سلیقه های شخصی افزایش می دهد و جایگزینی آن با کمیته های تخصیص اعتبار و تعیین معیار اثر بخشی و دیگر معیارهای مهم.



دکتر هادی صفری فارمد  
رئیس گروه تحقیقات  
شرکت توزیع نیروی برق  
خراسان رضوی

### فردمحوری و تمرکزگرایی

فردمحوری هم اشکال دیگری است که باید جایش را به کار جمعی و شبکه ای بدهد. شبکه نانو نمونه خوبی برای این موضوع است. ستاد نانو دستشان باز بود و بودجه هم داشتند که آزمایشگاه ملی نانو را ایجاد کنند. اما به جای خرج کردن صدها میلیارد تومان پول کشور برای ساختن آزمایشگاه و خرید تجهیزات و سفر خارج، رفتند و در کل کشور بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تعداد پژوهشگران این حوزه در کشور زیاد است و نود درصد اقلام مورد نیاز هم در داخل کشور به صورت پراکنده در دانشگاه ها و مراکز مختلف هست.

برای همین به جای تأسیس آزمایشگاه ملی، یک ستاد نانو تشکیل دادند. چند نفر داخل یک اتاق کوچک نشستند و آزمایشگاه ها و مراکز را شناسایی کردند و برای انجام خدمات پژوهشی نانو، آنها را به هم لینک کردند. طی دو سال مراجعه به آزمایشگاه های نانو

سه برابر و درآمد این مراکز دو و نیم برابر شده بود. در عوض دولت در این دو سال فقط ۲۰۰ میلیون تومان هزینه ستادی این دفتر را داد. اگر این شبکه شکل نمی گرفت و می خواستند خودشان آزمایشگاه بزنند، فقط یک قلم دستگاهی که این ها باید از خارج می خریدند ۳۰۰ هزار دلار بود. مزیتی که این شبکه دارد این است که در خرید همه چهل مرکز نانو کشور می تواند مؤثر باشد.

مثلاً اگر یک آزمایشگاه از یک گوشه کشور گزارش بدهد که ما فلان دستگاه را از فلان شرکت خارجی خریدیم و به ما خدمات خوبی نداد، ستاد نانو آن شرکت خارجی را وارد لیست سیاه می کند و بازار داخل کشور را برای آن شرکت خارجی قفل می کند. آن وقت شرکت خارجی است که باید به تکاپو بیفتد. این است نقش حمایتی و نظارتی دولت به شکل هوشمندانه. تمرکزگرایی هم به شدت در فضای کشور ما وجود دارد. در مرکز هزینه های هنگفت می شود و از آن طرف در استان ها فضای کار پژوهشی نیست. عده ای از دوستان ما در کهگیلویه و بویراحمد به سازمان صنایع مراجعه کرده بودند تا کانون تفکر تشکیل دهند. جواب شنیده بودند که کل بودجه پژوهشی امسال ما که بشود در قالب پروژه تعریفش کرد، دو میلیون تومان است! با این مبلغ چه کاری می توان کرد؟

### سخن آخر

باید پژوهشگر را مرجع تصمیم گیری درباره پژوهش کردنه دستگاه اجرایی دولتی را. یکی از اعضای تیم پژوهشگر و سازنده ماهواره امید می گفت: ما خون دل خوردیم تا مدیران ارشد را قانع کنیم که می شود این کار را کرد. حالا که مشخص شده می توانیم، آن قدر به ما اعتماد کرده اند که از ما خواسته اند در تدوین استراتژی ده سال آینده هوافضای کشور مشارکت کنیم. این حالت خیلی بهتر است از حالتی که صرفاً مدیران دور هم بنشینند و نظر بدهند. در صنایع دنیا هم یک مدیرعامل بیشتر مجری نظر پژوهشگران است؛ هر چند خودش باید تشخیص لازم را داشته باشد.

وقتی گزارش مربوطه را بررسی کردیم، دیدیم بیش از نصف گزارش گفته است کشور برای این کار مشکل آب و راه و غیره دارد و طرح توجیهی ندارد. انتهای گزارش نوشته شده بود باتوجه به درخواست فلان استانداران و سفارش نمایندگان محترم و تأکید ریاست پتروشیمی... این کار انجام می شود، اما حداقل این ملاحظات رعایت بشود!

کارشناسی دولتی این می شود. ما باید نهاد پژوهشی معتبر و مستقل از ذینفع دولت داشته باشیم که حرفش مرجعیت داشته باشد. دولت هم خواسته هایش را بگوید تا به توازن در تصمیم گیری برسند. مثلاً انجمن های صنفی تخصصی خودشان می توانند این مراکز پژوهشی را مدیریت کنند. خودشان می دانند چه نیاز دارند. سازمان دولتی می خواهد بودجه را خرج کند برود؛ اما نهاد خصوصی برای آنچه مورد نیازش باشد هزینه می کند.

### اعتماد به خارجی ها

میدان نفتی دورود مشکل کاهش برداشت داشت و باید نقضش با یک کار فنی رفع می شد. شرکت بین المللی الف پیشنهاد داده بود در ازای ۵۰۰ هزار دلار، برداشت را ۸۰ هزار بشکه افزایش می دهد. این خودش در درجه اول یک کار پژوهشی است. همزمان با این شرکت یک تیم ایرانی هم به صورت خودجوش تلاش کردند و توانستند راه افزایش برداشت به میزان

۴۰ هزار بشکه را با ۵۰ میلیون تومان به دست بیاورند.

وقتی مطرح کردند، شرکت الف رفت شکایت کرد که طبق قرارداد، کارفرما یعنی شرکت ملی نفت ایران حق نداشته در طول انجام پروژه، کاری خلاف منافع پیمانکار انجام بدهد. خود این نحوه قراردادهای خارجی بحث مستقلی است که هنوز از ماهیت استثماری خالی نشده و در آن ها پیمانکار می آید و دست ما را می بندد. یک بار یک متخصص را از ایتالیا دعوت کردیم تا در بحث خوسه های صنعتی بحثی ارائه کند. در کنارش هم دکتر رضوی را گذاشتیم که توضیحات تکمیلی لازم را بدهد. بعد از جلسه آن مهمان خارجی می گفت شما که پروفیسور رضوی را دارید چرا من را دعوت کرده اید؟!

اعتماد بیش از حدی که به خارجی ها هست آسیب دیگری در پروژه های پژوهشی ماست و از آن طرف هم شرکت های خارجی دنبال کسب منافع خودشان هستند. در سازمان منطقه آزاد قشم می گفتند داریم پارک فناوری بیوتکنولوژی می زنیم. پرسیدیم تا حالا چه کارهایی کرده اید؟ گفتند پروژه شناسایی میکروارگانیزم های داخل آبهای خلیج فارس. پرسیدیم بر اساس کدام سفارش؟ گفتند یک شرکت دارویی فرانسوی سفارش داده. آن شرکت برای تأمین مواد اولیه داروهای بیولوژیکش از خلیج فارس ما، مقدمه سازی کرده بود و چنین پروژه ای تعریف کرده بود. این طرف هم پول گرفته بود و انجام داده بود و ممکن بود در مرحله بعد مواد شناسایی شده را خام فروشی هم بکند.